

# نقش نظریه شهر خلاق در پویش اقتصاد فرهنگی و زندگی شهری

حاجت‌الله حاجی حسینی\*

حسن اشتاری\*

حافظ مهدنژاد\*

چکیده

در عصر پسامدرن، اقتصاد فرهنگی نقش حائز اهمیتی در توسعه اقتصادی شهرهای جهان دارد. شاهد این امر، حضور پررنگ متغیرهای اقتصاد فرهنگی در برنامه‌های تحول اقتصادی شهرهای جهان است. در همین راستا در سده بیست و یکم، جذب نخبگان و استعدادهای خلاق به یکی از مهم‌ترین ابزارهای شهرها برای رشد و بالندگی اقتصادی تبدیل شده است.

روش شناسی این مقاله توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از تحلیل محتوای جدیدترین منابع لاتین است، مؤلفه‌های این نوشتار مشتمل بر نقش اقتصاد فرهنگی در پویش شهرها، پیشینه نظریه طبقه خلاق، مفهوم نظریه طبقه خلاق و شهر خلاق، مؤلفه‌های نظریه شهر خلاق، عنصر شهر خلاق، دیدگاه‌های منتداهن و مخالفان نظریه طبقه خلاق و در نهایت ویژگی‌های دو نمونه عملیاتی شهر خلاق یعنی شهر ملبون و شهر تورنتو ارائه شده است.

نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که جذب نخبگان منجر به خلاقیت، نوآوری و جهش اقتصادی شهرها می‌شود، و این امر به پویش اقتصاد فرهنگی شهرها می‌انجامد. در کانون و تمرکز نظریه شهر خلاق، موضوع‌هایی از قبیل؛ فناوری، استعداد و تسامح و تساهل است، چنانچه در جهان به شدت رقبای امروز، آن دسته از شهرها موفق به جذب نخبگان می‌شوند که از تنوع، تسامح و تساهل بیشتری برخوردار باشد. نقش طبقه خلاق در پویش اقتصاد فرهنگی مربوط به تغییر تسامح و تساهل است؛ به این معنا که شهرها با ترویج فرهنگی باز، چند ملیتی، تکثیرگرا و تسامح گرا قادر به جذب نخبگان و به تبع آن پیشرفت و توسعه اقتصادی می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد فرهنگی، طبقه خلاق، شهر خلاق.

## 1. Creative City

۲. دانشیار سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، پژوهشکده فناوری‌های نوین؛ Hojat.hajihoseini@gmail.com

۳. دانشجوی دکترای آینده پژوهی دانشگاه تهران؛ Hasan\_ashtari@yahoo.com

۴. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران؛ Mahdnejad2012@gmail.com

فعالیت‌های فرهنگی و هنری، که در گذشته فرض می‌شد اثرات جانبی روی شکوفایی اقتصادی دارند، امروزه جایگاه بسیار مهمی از جانب سیاستگذاران و سرمایه‌گذاری عمومی کسب کرده‌اند. لارندی<sup>1</sup> بر محیط فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از زمینه‌های اقتصادی و نهادی تأکید می‌کند و در این زمینه، کانون توجه فلوریدا بر فضای کالبدی محیط از قبیل مکان‌های عمومی، مدنی و رستوران‌ها متتمرکز شده است (Roberts, 2006: 331). به سخن دیگر، در بررسی شیوه‌هایی که در آن نهادها و فرایندهای فرهنگی بر جنبه‌های سیاسی و اقتصادی جامعه تأثیر داشته‌اند، علاقه روزافزونی به فرهنگ شکل گرفته است. به موازات زمینه فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، ابعاد اقتصادی فرهنگ، دیدگاه مهمی است که جهش فرهنگی را بر مبنای علوم اجتماعی تعریف می‌کند. حقیقت امر آن است که عتیقه‌ها و هنرها با کیفیت بالا و بسیار گران نشان دهنده اقتصاد خدماتی و کالاهای فرهنگی و خصوصی هستند (به نقل از کیم و شورت، ۱۳۸۹). جیمسون<sup>2</sup> (۱۹۹۱) معتقد است که در آخرین مرحله سرمایه‌داری، مفاهیم و معانی نمادین تعیین‌کننده ارزش اقتصادی کالاها هستند. به اعتقاد جیمسون در فرهنگ مصرفی فرانوگرایی، راهبرد تحمیل نمادگرایی، معانی، ارزش‌ها و عواطف روی کالاها موجب ابهام در مژین تصور این کالاها و واقعیت عینی شان شده است (Jameson, 1991). اندیشمندانی نظری سارون زوکین و آلن اسکات نیز بر اهمیت ارزش نمادین تولیدات تأکید کرده‌اند، و به اعتقاد آنها تولیدات نشان دهنده ایده‌ها و صاحبان شرکت‌ها است. در این میان، اهمیت شهرها به عنوان مراکز خلاقیت و نوآوری به شدت توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کرده است؛ به این معنا که در این عصر، دانش و خلاقیت جایگزین منابع طبیعی و کارابی نیروی کار فیزیکی به عنوان منبع ایجاد ثروت و رشد اقتصادی شده‌اند. در این عصر نوین، سرمایه انسانی یا خلاق به عمدۀ ترین عوامل مؤثر بر تولید تبدیل شده‌اند. به گفته پائول رابت "عمده‌ترین عامل رشد، مشتمل بر یکپارچگی در اقتصادی نیست که حاوی تعداد زیادی از افراد باشد، بلکه یکپارچگی در اقتصادی است که در برگیرنده میزان بسیار بالایی از سرمایه انسانی و خلاق است" (به نقل از مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳). در این میان ظهور نظریه طبقه خلاق و شهر خلاق موجب اهمیت یافتن روزافزون اقتصاد فرهنگی در پژوهش‌ها و تحقیقات علوم شهری و به خصوص اقتصاددانان شهری شده است؛ چنان‌که به حق باید گفت در اقتصاد دانش محور سده بیست و یکم، خلاقیت نقش حائز اهمیتی در افزایش توان رقابتی شهرها دارد. در این میان ریچارد فلوریدا در سال ۲۰۰۲ نظریه شهرخلاق را مطرح کرد. بر مبنای این نظریه، نخبگان یا طبقه خلاق به سکونت در شهرهایی گرایش دارند که از تنوع، تساهل و تسامح چشمگیری برخوردار است و از نظر کیفیت محیط شهری و استانداردهای طراحی از سطح بالایی برخوردار باشند. از آن جایی که این نظریه به تازگی در محافل علمی جهان مطرح شده و در

1. Larandi

2. Jameson

متون شهری کشور به طور بایسته مورد کاوش قرارنگرفته است. بر همین مبنای هدف کلی این مقاله تبیین و تحلیل نقش نظریه طبقه خلاق در پویش اقتصاد فرهنگی و زندگی شهری به منظور بسط این مفهوم در جامعه علمی کشورمان و همچنین تبیین نقش غیرقابل انکار نخبگان در توسعه کشورها و ضرورت توجه به حفظ نخبگان و استعدادهای خلاق است.

## روش پژوهش

روش‌شناسی این مقاله توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از تحلیل محتوای جدیدترین منابع لاتین است، مؤلفه‌های این نوشتار مشتمل بر نقش اقتصاد فرهنگی در پویش شهرها، پیشینه نظریه طبقه خلاق، مفهوم نظریه طبقه خلاق و شهر خلاق، مؤلفه‌های نظریه شهر خلاق، عناصر شهر خلاق، دیدگاه‌های منتقدان و مخالفان نظریه طبقه خلاق و در نهایت نمونه عملیاتی شهر خلاق یعنی تورنتو است. به طور کلی پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱. فرهنگ چگونه به یک بخش اقتصاد شهری تبدیل شده است؟
۲. مفهوم، عناصر کلیدی و عمده‌ترین متغیرهای شهر خلاق چیست؟
۳. مهم‌ترین انتقادهای واردہ بر نظریه شهر خلاق چیست؟

## اهمیت اقتصاد فرهنگی

در سالیان اخیر بحث در مورد رقابت‌پذیری مناطق از "متغیرهای مکانی سخت" (نظیر انشاست اقتصادی، سطوح اجاره‌داری، قابلیت دسترسی به فضاهای اداری، قابلیت دسترسی، تسهیلات فنی و ترافیکی، سیستم‌های مالیاتی ملی و محلی) به سمت "متغیرهای مکانی نرم" تغییر جهت داده است. از این متغیرهای مکانی نرم می‌توان امکانات مسکونی، خدمات رفاهی فرهنگی و زیبایی‌شناختی، جستجوی سبک‌های بدیل زندگی، تنوع قومی و نژادی، چشم‌اندازهای زیبای فرهنگی و ایجاد مکان‌های عمومی برای اهداف تفریحی و تجاری را برشمرد (Bontje and Musterd, 2009:844). صنایع فرهنگی حدود پنجاه و چهار دسته کلی را در بر می‌گیرد که در چهارده شاخه اصلی طبقه‌بندی شده است. از جمله صنایع فرهنگی می‌توان به رادیو و تلویزیون، نشر و ادبیات، موسیقی، تبلیغات و مشاوره، آژانس‌های خبری (خبرگزاری‌ها)، تئاتر، هنرهای تجسمی، طراحی مدلباس، موزه‌داری، صنایع ضبط، بازتولید و انتشار نوارها و سی‌دی‌های صوتی، جواهر‌آلات و ساعت، عتیقه‌فروشی، گردشگری و جهانگردی، صنعت ورزش، موزه‌ها و گالری‌های هنری، فستیوال‌ها و جشنواره‌های فرهنگی هنری، صنایع دستی، صنعت معماری، دانشگاه‌ها، داشکده‌های هنر و هنرستان‌های هنری، تالارهای هنری، سینما و ویدئو (تولید و توزیع هر نوع فیلم و ویدئو) و ... اشاره کرد. هسته اصلی اقتصاد خلاق شامل تبلیغات، معماری، هنرها و ابزارهای عکاسی، هنرهای تجسمی و عملکردی، موسیقی، ناشران، بازی‌های کامپیوتری، ابزارهای نرم‌افزاری و برقی، رادیو و تلویزیون است (Pratt, 1997; Kloosterman, 2004). "صنایع فرهنگی" به طیفی از

کسب و کارهای انتفاعی (تجاری) اطلاق می‌شود که مواد اولیه آنها را خلاقیت هنری و فرهنگی انسان تشکیل می‌دهد. صنایع فرهنگی را "صنایع محتوایی" نیز می‌نامند که در نقطه مقابل "صنایع فیزیکی" قرار می‌گیرد. در واقع به ابزار و فرایندهای تبدیل دانش و منابع فرهنگی به محصولات، کالاهای و خدمات، یعنی ابزار و شیوه‌هایی که به وسیله آنها، یک فرهنگ می‌تواند ارزش اقتصادی و اجتماعی خود را نشان دهد، صنایع فرهنگی گفته می‌شود. بایستی دانست که توسعه صنایع فرهنگی با سطح توسعه اقتصادی و کیفیت فرهنگ ملی و عمومی یک کشور ارتباط تنگاتنگی دارد. به باور گیبسون و فری استون اشکال برنامه‌ریزی فرهنگ محور، مشتمل بر نوسازی فرهنگ شهری، ارتقای فرهنگ گردشگری شهر، ایجاد نواحی فرهنگی و ارتقای صنایع فرهنگی است (شورت، ۱۳۸۸: ۱۲۳). به اعتقاد تروسیای صنعت فرهنگی مشتمل بر موسیقی، رقص، تئاتر، هنرهای بصری، مهارت‌ها و بسیاری از رویه‌های جدید نظیر هنر ویدئو، هنر نمایش، کامپیوتر و هنر چندرسانه‌ای است" (Throsby, 2001:112).

اسکات<sup>۱</sup> موارد دیگری مشتمل بر مدهای سطح بالا، رسانه‌های خبری، جواهرات، تبلیغات و معماری، صنایع ورزشی، ورزش‌های حرفه‌ای، بهداشت و صنایع وابسته به آن را نیز به این فهرست افروزده است (Scot, 2006). خدمات گردشگری از جمله بخش‌های ارزنده اقتصاد فرهنگی است. در حقیقت، گردشگری شهری در زمرة فعالیت‌های اصلی اقتصاد فرهنگی قرار گرفته می‌شود. رشد سریع گردشگری اثبات کننده این مطلب است که گردشگری تنها مختص به مکان‌های تاریخی، طبیعت‌های شگفت‌انگیز یا سایر جاذیت‌های بی‌نظیر نیست، بلکه ایجاد کننده رویدادها، تصویرها، سنت‌ها و معانی است که گردشگران بالقوه را نیز به سمت خود جذب می‌کنند. مارکوسن و اسچروک<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی تاریخی و تطبیقی درباره ۲۹ منطقه مادرشهری دارای بیشترین هنرمند ایالات متحده آمریکا، ارزیابی بسیار جامع تری تحت عنوان "مزیت هنرمندانه"<sup>۳</sup> برای اقتصاد منطقه‌ای را پیشنهاد کرده‌اند. استدلال آنها بر آن است که کارهای هنرمندان خلاق موجب افزایش و تقویت طراحی، تولید، و بازاریابی تولیدات و خدمات در سایر بخش‌ها شده است. فعالیت‌های فرهنگی و هنری موجب نوآوری در بسیاری از سطوح اقتصاد شهری شده است که با میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری نمی‌توان به آن دست یافت. صنایع فرهنگی در شهرهای جهانی و سایر شهرهای بزرگ تمرکز یافته‌اند. به حق می‌توان ادعا کرد که صنایع فرهنگی کمک بسیار زیادی به اقتصاد شهرهای لس آنجلس و پاریس کرده است. مفهوم "وابستگی مسیری"<sup>۴</sup> برای تحلیل تولیدات فرهنگی نظیر نوآوری‌های فناورانه مورد استفاده قرار گرفته می‌شود. نظریه‌های وابستگی مسیری معتقدند که رویدادهای تاریخی کوچک

1. Scott

2. Markusen and Schrock

3. Artistic Dividend

4. Path Dependence

یا مزیت‌های موقعیتی بر نتایج کلان اقتصادی تأثیر می‌گذارد که موجب حق انحصاری بر مسیرهای ویژه‌ای برای توسعه می‌شود. گرچه بر این نظریه انتقادهایی نظری داشتن دیدگاه ساختاری بیش از حد به توسعه اقتصادی محلی می‌شود، اما این نظریه بر موفقیت بی‌نظری پاریس در ترویج مدها، نیویورک در تبلیغات و لس آنجلس در سرگرمی‌های تصویری هیجان‌انگیز تأثیری الهام‌بخش داشته است. نقش‌های عمدۀ این شهرها در این صنایع موجب شهرت آنها شده و مزیت این شهرها بر کیفیت تولیدات و تصاویر نمادین آنها است (به نقل از کیم و شورت، ۱۳۸۹). صنایع فرهنگی و خلاق بین سال‌های ۱۹۹۳-۲۰۰۳ به میزان ۱۸ درصد بیشتر از اقتصاد اروپا رشد کرده‌اند و بر ارزششان به میزان ۱۹ درصد افزوده شده، و اشتغال در این بخش بین سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۴ به میزان ۸,۱ درصد رشد کرده است. در اروپا، صنایع خلاق دارای نیروی استخدامی بیشتری نسبت به صنایع مالی‌بینی، برق، گاز و مواد شیمیایی هستند (KEA European Affairs, 2006). افزون بر این، به طور مسلم در لندن صنایع فرهنگی و خلاق سومین صنعت بزرگ به حساب می‌آیند (GLA Economics, 2004).

در راستای پاسخ به پرسش اول این پژوهش، فعالیت فرهنگی به عنوان صنعتی تعریف می‌شود که پدیدآورنده اشتغال، درآمدهای مالیاتی و تأثیرات چندجانبه است. تروسبای<sup>۱</sup> در مورد اهمیت اقتصاد فرهنگی نوشته است:

"حقیقت امر آن است که اشخاص و شرکت‌ها، کالاها و خدمات را برای فروش و مبادله یا به سخن ساده‌تری برای کسب سود تولید می‌کنند، و مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را بر حول تولیدات ویژه، انواع تولید کنندگان، مکان‌ها و غیره ایجاد می‌کنند که می‌تواند به عنوان یک صنعت در نظر گرفته شود. با این وجود، باید پذیرفت که در عمل کاربرد اصطلاح "صنعت" برای هنر و فرهنگ روی فرایندهای اقتصادی مرکز می‌شود که به وسیله آن خدمات و کالاهای فرهنگی ساخته، بازاریابی، پخش و در نهایت به مصرف کنندگان فروخته می‌شوند، همچنین شرکت‌ها و اشخاص مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را درباره تولیدات ویژه، انواع صنایع، موقعيت‌ها و غیره ایجاد می‌کنند که می‌توان به آنها عنوان صنعت اطلاق کرد. معنای جدید "صنعت فرهنگی"، پتانسیل اقتصادی تولیدات فرهنگی برای ایجاد خروجی، اشتغال و درآمد و برآورده ساختن رضایت‌ تقاضاهای مصرف کنندگان است، گرچه سایر اهداف مهم‌تر ممکن است توسط فعالیت‌های هنرمندان صورت پذیرد. در حقیقت بسیاری از هنرمندان در محدوده بخش فرهنگی از فعالیت‌های فرهنگی پدیدآورنده سود اقتصادی استقبال می‌کنند" (Throsby, 2001:111)

از آنجایی که طبقه خلاق مهم‌ترین رکن اقتصاد فرهنگی هستند و در پیدایش، توسعه، تکامل و بارور شدن اقتصاد فرهنگی نقش حائز اهمیتی دارند، در ادامه این نوشتار به بیان نظریه طبقه و شهر خلاق و نقش آنها در پویش اقتصاد فرهنگی مبادرت شده است.

1.Throsby

## نظریه طبقه خلاق

فلوریدا، عقیده سرمایه انسانی، مشکل از حرفه‌ای‌های مشغول در صنایع مدرن، صنایع خدماتی پیشرفت و پژوهشی، را با افزودن حرفه‌ای‌های مربوط به هنر و فرهنگ به آن را بسط داد. او این افراد را به عنوان "سرمایه خلاق" معروفی کرد، به گونه‌ای که این اصطلاح نسبت به "سرمایه انسانی" بیشتر توجه رسانه‌های جمعی را به سمت خود جذب کرده است. به طور کلی، شناخت نظریه طبقه خلاق مستلزم تبیین پیشینه، مفهوم، شاخص‌ها، اصول، متغیرهای کلیدی، نقش سرمایه خلاق در رشد اقتصاد و نقاط قوت و ضعف آن است که در ادامه به شرح مبسوط آنها پرداخته شده است.

### پیشینه نظریه طبقه خلاق

شهرها خاستگاه خلاقیت هستند. آنها از گذشته‌های دور ابزاری برای تحرک، تمرکز و مجرای انتقال انرژی خلاقیت انسان بوده‌اند. شهرها این انرژی را به نوآوری‌های تکنیکی و هنری، اشکال جدید تجارت و صنایع و نمونه‌های در حال رشد اجتماع و تمدن تبدیل کرده‌اند. شایسته یادآوری است که چنین ایده‌ای به عنوان ایده بنیاد سیز و نوین محسوب نمی‌شود، بلکه سالیان درازی است که چنین ایده‌هایی وجود داشته و نمودهای بارز آن در آتن، رم، ونیز، فلورانس، لندن، پاریس، برلین، نیویورک، سانفرانسیسکو، بولتون، سیاتل، تورنتو، دوبلین، هلسینکی و سیدنی وجود داشته است (Florida, 2005). مفهوم طبقه خلاق فلوریدا موضوع جدیدی نیست: پیشینه سرمایه انسانی مدت زمانی طولانی است که بر رابطه بین افراد بسیار خبره، استعدادهای با تحصیلات عالی و رشد شهری تأکید کرده است (Glaeser et al, 1995). جین جاکوبز<sup>۱</sup> (۱۹۶۹)، مدت‌ها پیش خواهان توجه هرچه بیشتر به نقش شهرها در جذب و اولویت‌بخشی به افراد مستعد، نخبه و خلاق شده بود. او بر نقش حائز اهمیت افراد خلاق در سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی در شهرها توجه کرد. جاکوبز بر این باور است شهرها نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارند و آن نقش را از طریق تحرک دانش جدید به سرانجام می‌رسانند، مقیاس شهرها و تنوع ساکنان آنها به وجود آورنده تعاملاتی است که موجب تولید ایده‌های نو می‌شود. به سخن دیگر، تنوع بازیگران اقتصادی در شهرها و سطوح بالای تعاملات آنها موجب ارتقای تولید، توسعه بهره‌وری‌ها و فناوری‌های جدید می‌شود. از نظر جاکوبز، شهرها خاستگاه تنوع و تمایز خلاقیت و نوآروی بوده‌اند؛ و اینکه شهرهای بزرگ، مکان‌هایی هستند که در آنها افراد با هر گونه پیش‌زمینه و سابقه‌ای برای تبدیل ایده‌هایشان به نوآوری و ثروت پذیرفته می‌شوند.

به اعتقاد جین جاکوبز (۱۹۶۹) جریان مستمر نوآوری‌های ایجاد شده توسط تمرکز جغرافیایی افراد خلاق با ایده‌ها و حرفه‌های متنوع عامل اصلی رشد سریع صنعت پوشانک نیویورک و کل اقتصاد این شهر در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم است (Romer, 1989). ادین اولمن نیز به نقش استعداد

یا سرمایه انسانی در کتاب کلاسیکش در مورد "توسعه منطقه‌ای و جغرافیای انباشت" تأکید کرده است. رابرت لوکاس نیز دستاوردهای خلاقانه مرتبط با خوشبندی افراد مستعد یا سرمایه انسانی را به عنوان نیروی محركه رشد و توسعه شهرها معرفی کرده است. او بر این باور است که عملکرد شهرها در جمع آوری و سازماندهی نیروی انسانی موجب رشد حیرت‌انگیز اقتصادهای نیرومند بیرونی می‌شود که از آنها به عنوان "سرمایه انسانی بیرونی" نام برده است. بر همین مبنای، او نتیجه‌گیری کرد که این اقتصادها موجب افزایش بهره‌وری و ارتقای رشد شهری می‌شوند. ایک آندرسون و پیر دسروشرز<sup>۱</sup> (به نقل از کیم و شورت، ۱۳۸۹) اظهار کرده‌اند که توانایی تربیت و تقویت خلاقیت و جذب افراد خلاق نقش بسیار مهمی در توسعه منطقه‌ای دارد. نظریه جدید رشد، که توسط رومر مطرح شد، نیز بر رابطه بین دانش، سرمایه انسانی و رشد منطقه‌ای تأکید کرده است.

### مفهوم نظریه طبقه خلاق و شهر خلاق

مفهوم نقش استعدادهای خلاق در توسعه اقتصادی شهر در کتاب‌های ریچارد فلوریدا (۲۰۰۵، ۲۰۰۲) به طور کامل تشریح شده است. فلوریدا<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) ظهور طبقه اجتماعی جدیدی به نام طبقه خلاق را تشریح کرده است که اقتصاد خلاق جدید را رهبری می‌کند؛ او هشدار داد که اقتصاد آمریکا در رقابت جهانی بر سر استعدادهای خلاق ممکن است متحمل شکست شود. با وجود اینکه نظریه فلوریدا به تازگی مطرح شده است، اما پژوهشگران شهری و جغرافیدانان به دقت آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. تراصیلی فلوریدا بر ظهور "طبقه خلاق" متمرکز شده است، گروهی که به نظر او بیش از ۳۸ میلیون آمریکایی یا به عبارتی ۳۰ درصد نیروی کاری آمریکا را دربرمی‌گیرد؛ این افراد ۵۰ درصد درآمد این کشور را به خود اختصاص می‌دهند.

ریچارد فلوریدا نظریه شهر خلاق را بر اساس سه متغیر عمده (موسوم به سه T) پایه‌گذاری کرده است که عبارتند از: فناوری<sup>۳</sup>، استعداد<sup>۴</sup> و تسامح<sup>۵</sup>. فناوری به واسطه فراهم ساختن فرصت‌هایی برای کسب دانش بیشتر نقش مهمی در رشد اقتصادی دارد. استعداد دربرگیرنده آن دسته از افرادی است که واقعاً اندیشه‌های ابداع‌گرانه و نوآورانه‌ای دارند. تسامح دربرگیرنده فرهنگی باز و متنوع بر مبنای قومیت، نژاد و جهت‌گیری جنسی است(Bounds, 2009:188). در جدول شماره (۱) کلیدی‌ترین متغیرهای شهر خلاق تبیین شده است.

بیشتر ادبیاتی که در زمینه شهرهای خلاق و نوآور نگارش یافته‌اند، تنها به نقش خلاقیت در رشد و شکل دهی به شهر نپرداخته‌اند، بلکه بیشتر بر این تأکید دارند که با حذف محدودیت‌ها و

- 
1. Pier desroscherz
  2. Richard Florida
  3. Technology
  4. Talent
  5. Tolerance

موانع (فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و...) از شهرها، خلاقیت به نیروی محرکه رشد و توسعه اقتصادی شهرها، مناطق و ملت‌ها تبدیل خواهد شد. مفهوم شهر خلاق، مفهومی متنوع و وسیع است. در یک مفهوم، شهرهای خلاق؛ شهرهایی هستند که قادرند راه حل‌های جدیدی برای مشکلات روزمره‌شان را ارائه دهند. مفهوم دیگر شهرهای خلاق بر تولیدات فرهنگی متمرکز است؛ یعنی تولید کالا و خدمات فرهنگی با فعالیت‌هایی در ارتباط قرار می‌گیرد که مرکز خلاقیت به حساب می‌آیند. مفهوم دیگر بر ظرفیت و توانایی شهر بر جذب سرمایه انسانی خلاق تأکید می‌کند. در بسیاری از متون مربوط به شهر خلاق، فهم پایداری و پویایی‌های جریان کاربرد دانش مورد تأکید قرار گرفته است. مفهوم شهرهای خلاق با بسیاری از مفاهیم دیگر پیوند خورده است؛ از جمله آن می‌توان به صنایع خلاق، صنایع فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی و فعالیت‌های هنری شهر و اقتصاد دانایی اشاره کرد (ربانی خوراسکانی و همکاران، ۱۳۹۰). صنعت شهرها و مناطق خلاق مشتمل بر صنایع فرهنگی، چندرسانه‌ای و خدمات برتر و در مقیاس حوزه‌های محلی بیشتر در صنایع دستی و بومی خلاصه می‌شود (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹).

عناصر کلیدی که برای پدیدآمدن شهرهای خلاق مطرح شده‌اند به این شرح است: شبکه‌ای از تولیدکنندگان منطقه‌ای، بازار نیروی کار محلی یعنی تکنسین‌ها و کارگران خلاقی که در یک منطقه استقرار دارند و می‌توانند در شکل‌گیری توسعه خلاقیت در شهر و منطقه اثرگذار باشند و رقابت و همکاری بین مجموعه‌های از شهرها که بتوانند عنصر خلاقیت را به منطقه و شهر تزریق کنند (رفیعیان، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰). افزون بر این از جمله ویژگی‌های شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کارکردن و زندگی شهروندان خود (به ویژه نسل جوان)، مکانی جذاب برای گردشگران، توانمند در شکوفایی بخش‌های مختلف اقتصادی (از راه به کارگیری فناوری و مدیریت صحیح آن) و همچنین مرکز جذب بنگاه‌های مختلف اقتصادی نوظهور (خوش‌ها و مراکز تحقیقاتی به ویژه در زمینه فناوری‌های برتر) باشد. بر همین اساس راهبرد شهر خلاق، ایفای نقش رهبری در بین تمام اجزای سیستم شهری است و طوری چهت‌گیری شده تا در پیدا کردن روش‌های کارآمد برای ایجاد یک محیط همکاری و برهم‌کنشی و دعوت از شهروندان برای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی مناسب باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

## جدول شماره ۱: کلیدی ترین متغیرهای شهر خلاق

<p>نظر اقتصاددانان مدت‌های مبتنی بر این فرض بوده است که فناوری کلید رشد اقتصادی است. رابرт سلو<sup>۱</sup> به خاطر پژوهش در همین زمینه و تأکید بر فناوری به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی، جایزه نوبل را از آن خود کرد. پائول رمر<sup>۲</sup> اقتصاددان دانشگاه استنفورد<sup>۳</sup> بر این باور است که رشد فرایندی درون‌زا بوده و مبتنی پر شکوفایی و گردآوری مداروم دانش انسانی است. فناوری به معنای عملکرد و نقش نوآوری و تمرکز صنعت فناوری پیش‌رفته در یک منطقه است.</p>	<p><b>فناوری</b></p>
<p>استعداد دومین متغیر عمدۀ فرمول فلوریدا است. رابرт لوکاس<sup>۴</sup> معتقد است که رشد حاصل "سرمایه انسانی" است. این دیدگاه مطابق با نظرگاه ادوارد گلیسر<sup>۵</sup> اقتصاددان دانشگاه هاروارد است. بر اساس این دیدگاه، نقش اصلی شهرها در تقویت سرمایه اجتماعی نهفته است. بر مبنای این دیدگاه، نقش شهرها این است که سرمایه اجتماعی را یکجا جمع آوری و آن را تقویت کنند و اینگونه کسانی که سرمایه اجتماعی بیشتری از بقیه دارند رشد سرمایه اجتماعی سریع‌تری خواهند داشت. لوکاس از عملکرد تقویت سرمایه انسانی در شهرها به عنوان "بیگانگی" جین جاکوبز نام می‌برد و می‌گوید که جاکوبز به خاطر این ایده لایق جایزه نوبل بوده است. به این مفهوم، شهرسازی عنصر کلیدی رشد بهره‌وری و نوآوری است. استعداد نیز معادل افراد دارای مدرک لیسانس و بالاتر است.</p>	<p><b>استعداد</b></p>
<p>عامل سوم مشتمل بر تساهل و تسامح است که عاملی کلیدی در توانمند ساختن مکان برای به حرکت درآوردن و جذب فناوری و استعداد است. اقتصاددان‌ها همیشه برخی از اشکال فناوری و استعداد را به عنوان محرك‌های مهم رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند، اما باید برای تسامح و تساهل، نیز به اندازه عوامل مرسوم‌تر تولید مانند مواد خام اهمیت قائل شد. با توجه به این دیدگاه، به یک مکان ذخایر فناوری و استعدادهای خاص اعطا می‌شود که در نزخ‌های رشد و نوآوری مکان را تضمین می‌کنند. اما مبنای مانند فناوری، دانش و سرمایه انسانی ذخایر ثابت نیستند، بلکه جریان‌های تاپایداری هستند. فناوری و استعداد عوامل محرك مهمی هستند که به مکان‌ها وارد و خارج می‌شوند و این پرسش را برای ما به وجود می‌آورد که: چه چیزی توانایی برخی مکان‌ها را برای جذب نخبگان و استعدادهای خلاق تضمین می‌کند؟ پاسخ عقلی این پرسش در تبع، تسامح و تساهل نهفته است. در این نظریه، تساهل و تسامح به معنای تعصب کورکورانه نداشتن، پذیرش همه نوع افراد، پذیرش و تنوع در تمام قومیت‌ها، نژادها و سبک‌های زندگی است.</p>	<p><b>تساهل و تسامح</b></p>

منبع: با تلخیص و تغییر شکل از فلوریدا، ۲۰۰۵

به طور کلی، طبقه خلاق در مکان‌های ریشه می‌دواند که دارای این سه متغیر سرنوشت‌ساز باشد. هر کدام از این سه عامل دارای اهمیت هستند، اما شرط کافی نیستند. یک مکان به منظور جذب افراد، ایجاد نوآوری و تحول اقتصادی باید هر سه متغیر را دارا باشد (Florida, 2005). همچنین فلوریدا شاخص نوآور<sup>۶</sup> را ابداع کرد، که تراکم هنرمندان، نویسنده‌گان و بازیگران، طراحان، موسیقیدانان، کارگردانان، نقاشان، تندیس‌سازان و عکاسان در یک منطقه را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص به طور

- 
1. RobertSolow
  2. Poul Romer
  3. Stanford
  4. Robert Lucas
  5. Edward Gleaser
  6. Bohemian Index

مستقیم تولیدکنندگان هنر را از طریق استفاده از داده‌های آماری معتبر می‌شمارد. شاخص بوهمیان پیش‌بینی کننده قوی همه چیز از پایه فناوری پیشرفته یک منطقه تا جمعیت کلی و رشد اشتغال آن به حساب می‌آید. به منظور فهم بهتر شهر خلاق، در جدول شماره (۲) مبادرت به بیان شاخص‌های شهر خلاق و در جدول شماره (۳) مفهوم طبقه و شهر خلاق شده است.

## جدول شماره ۲: شاخص‌های شهر خلاق

منظر	شهری مملو از نشانه‌ها، نمادها، المان‌ها و چشم‌اندازهای متنوع که در عین کثرت وحدتی یکپارچه دارند
هنر	ارتقای هنرهای جدید و تقویت میراث‌های هنری قدیمی شهر
تنوع	شهری مملو از ترازها و قومیت‌های مختلف جهان و به غایت جهانگردی‌بر
فضاهای عمومی	وجود پارک‌های متعدد، ساخت و ارتقای مکان‌های عمومی و فضاهای مدنی جدید
آموزش عالی	تعداد دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی در شهر

Source: Vanolo, 2008: 377

## جدول شماره ۳: مفهوم طبقه خلاق از دیدگاه ریچارد فلوریدا

(فلوریدا، ۲۰۰۴: ۸)	طبقه خلاق کسانی هستند که در علم و مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر، موسیقی و تئاتر مشغول هستند و عملکرد اقتصادی آنها مشتمل بر خلاق ایده‌های جدید، فناوری جدید و مضامین خلاقانه نوبن است. این افراد درگیر حل مسائل پیچیده‌ای هستند که نیازمند اندیشه مستقل و سطوح بسیار بالایی از سواد و سرمایه انسانی است.
(کیم و شورت، ۲۰۰۸)	به انتقاد فلوریدا، طبقه خلاق به دو گروه از مردم تقسیم می‌شود. گروه اول مشکل از "هستهٔ فوق العادهٔ خلاق" است که مشتمل بر طیف وسیعی از جمله دانشمندان، مهندسان، اساتیدان دانشگاهی، شاعران، رمان‌نویسان، هنرمندان، بازیگران، هنرپیشه‌ها، طراحان و معماران، نویسندهای اثار غیر داستانی، ویراستاران، شخصیت‌های فرهنگی، گروه مشاوران، پژوهشگران، تحلیلگران و سایر نخبگان است. گروه دوم شامل حرفة‌هایی که خلاق است که در طیف وسیعی از صنایع دانش محور نظیر بخش‌های مدرن، خدمات مالی، خدمات بهداشتی و حقوقی و مدیریت تجاری کار می‌کنند. فلوریدا اظهار داشته است که گروه اول اشکال یا طراحی‌هایی جدیدی را پدید می‌آورند که به سرعت قابل انتقال و بی‌نهایت مفیدنند، در حالی که گروه دوم در حل کردن مسائل خلاق درگیر هستند.
(فلوریدا، ۲۰۰۴: ۸)	طبقه خلاق مشتمل بر آنهاست که در کارهای دانش محور مشغول هستند از جمله اینکه هنرمندان، دانشمندان، تحلیلگران، مدیران تجاری و نوآوران در زمرة آنها هستند.
(فلوریدا، ۲۰۰۵: ۳۴)	نظریهٔ سرمایهٔ خلاق فلوریدا معتقد است که افراد خلاق موجب قدرتمند شدن شهر و رشد اقتصادی ناحیه‌ای می‌شوند و این مردمان مکان‌هایی را برای زندگی ترجیح می‌دهند که دارای ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت و نوآوری، متنوع و تسامح باشد.
(بولت و مسترد، ۲۰۰۹: ۸۴۵)	فلوریدا، طبقه خلاق را به افراد فوق العاده ماهر در صنایع خلاق و صنایع دانش محور نظیر متخصصان حقوق، اقتصاد، فناوری اطلاعات و آموزش عالی اطلاق کرد. او بر این باور است که ما در حال وارد شدن به عصر خلاق هستیم که در آن تعدد و نکثر اندیشه‌های مختلف موج می‌زند. فلوریدا با ارجاع به جاکوب (۱۶۹۱) نوشته است که مردم نخبه و خلاق آن، شهری را برای زندگی ترجیح می‌دهند که دارای تنوع و فضایی تسامح‌گرا باشد

طبقه خلاق به شدت تحت تأثیر کیفیت زندگی منطقه و قابلیت دسترسی به اشتغال هستند؛ اما تنوع سبک زندگی، امکانات فراغتی و رفاهی و کیفیت محیطی نقش بیشتری در جذب افراد به سکونت در شهرها دارند. تنوع فرهنگی و جمعیتی نشانگر اجتماعی باز و تسامح گرا است. وجود تسهیلات فرهنگی، مجتمع‌های ورزشی حرفه‌ای، پایداری محیط و دسترسی به فعالیت‌های فراغتی نظیر مسیرهای دوچرخه‌سواری و پارک‌های عمومی نقش حائز اهمیتی در جذب نخبگان دارند (Bounds, 2009:188). نظریه خلاقیت قائل به نقش گسترده‌تر فرهنگ است و اینکه انسان پتانسیل‌های نامحدود دارد و کلید رشد اقتصاد منوط به توانمند ساختن و شکوفا کردن این پتانسیل است. لازمه این شکوفاسازی منوط به وجود فرهنگی باز است، فرهنگی که تبعیض قائل نمی‌شود، مردم را محدود نمی‌سازد و به شکل‌های گوناگون به خانواده و هویت انسانی اعتبار می‌بخشد. به این معنا که فرهنگ از طریق تحمیل امکانات، ایجاد خلاقیت انسانی عمل نمی‌کند، بلکه بنا بر تسهیل و تحریک این خلاقیت‌های انسانی می‌گذارد. افزون بر این فرهنگ باز در سطح گسترده مجالی برای کارآفرینی، توسعه اقتصادی و نوآوری وابسته به اجتماع فراهم می‌سازد (Florida, 2005). در مجموع، عناصر تشکیل‌دهنده نظریه شهر خلاق مشتمل بر فناوری، چندفرهنگ‌گرایی، تسامح و تساهل، وجود محیط فرهنگی تکثیرگرا، محیط‌های اجتماعی باز از نظر فرهنگی و افزایش فرصت‌های تعاملات اجتماعی است (Vanolo, 2008:372). افزون بر این، انگیزش این طبقه تنها به واسطه پاداش‌های مادی نیست، بلکه آنها طرفدار زندگی در مکان‌های "با کیفیت"، "خلافی"، "هیجان‌انگیز" و دارای تساهل و تسامح هستند (Vanolo, 2008:370). بر همین مبنای توان گفت که امروزه، خلاقیت به عنصر بسیار مهمی در برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌های بازاریابی شهری در سراسر جهان تبدیل شده است. ظهور این ایده در ساده‌ترین شکل ممکن به منزله مرحله متمایزی در توسعه سرمایه‌داری محسوب می‌شود، چنانکه بر اساس آن نیروی اصلی اقتصاد دیگر ابزارهای فناوری و سازمانی نیست، بلکه انسان است (Vanolo, 2008:370). توصیه فلوریدا به حکومت‌های شهری در مورد ضرورت نوسازی اقتصادی با این پرسش آغاز می‌شود: "در جهانی که مردم به شدت متحرک هستند، چرا و به چه دلیلی آنها شماری از شهرها را در مقایسه با سایر شهرها برای زندگی و کار انتخاب می‌کنند؟" (Florida, 2005:33).

او می‌نویسد که پروژه‌های نوسازی مراکز شهری و انگیزه‌های تجاری برای وسوسه کردن شرکت‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نیازمند جذب افراد بسیار خلاق نیستند. در عوض، مردم مکان‌هایی را برای زندگی ترجیح می‌دهند که دارای خصایص نظیر نوآوری، تنوع و تسامح فرهنگی باشند.

در همین راستا فلوریدا اظهار می‌دارد: "در حالی که اقتصاددانان و دانشمندان اقتصادی توجه بسیار زیادی را به چگونگی مکان‌یابی شرکت‌ها مبذول داشته‌اند، آنها خواستها و عالیق مردم را در این مورد نادیده انگاشته‌اند. این پرسشی اساسی است که من به دنبال پاسخ به آن هستم. در مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی همین پرسش را از مردم پرسیده‌ام: مردم می‌گویند که ملاحظات اقتصادی و سبک

زندگی مهم هستند، و آنها ترکیبی از این دو عامل را در نظر می‌گیرند، در حقیقت، مردم تصمیم‌های حرفة‌ای یا حرکت‌های جغرافیایی را اتخاذ نمی‌کنند که نظریه‌های استاندارد می‌گویند: آنها کورکورانه در پی شغل به مکان‌ها نمی‌روند. در عوض، به نظر می‌رسد افراد بسیار تحصیلکرده به مکان‌هایی می‌روند که متنوع و بزرگ باشد. نه تنها پژوهش‌های کیفی من این موضوع را به اثبات می‌رساند، بلکه تحلیل‌های آماری نیز بر این گرایش صحه می‌گذارد" (Florida, 2005). همچنین او در پاسخ به این پرسش که چرا محیط‌های شهری می‌باشد دارای تنوع و تساهل باشند؛ چنین پاسخ می‌دهد "چنین شهرهایی به صورت جهان‌وطن عمل می‌کنند. به این معنا که برای پذیرش ایده‌های جدید، باز و گشوده هستند. آنها پذیرای سبک‌های زندگی غیرمتعارف هستند و افراد با استعداد را جذب می‌کنند که برای نوآوری بسیار مهم هستند" (Gossling & Rutten, 2007).

چگونه یک شهر سنتی خود را به شهری خلاق تبدیل می‌کند؟ فلوریدا در کتاب خود (۲۰۰۲) در مورد طبقهٔ خلاق موفقیت شماری از مراکز خلاق نظیر آستین<sup>۱</sup>، بوستون، سان فرانسیسکو، سیاتل و واشنگتن دی سی را تحسین کرده است. عقیده او برآن است که موفقیت این شهرها مرهون سه محور کلیدی استعداد، فناوری و تسامح است. این شهرها، با توجه به موقعیت‌های جغرافیایی و مؤسسه‌های پژوهشی محلی‌شان از شهرهای متوسط آمریکا و بسیاری از شهرهای جهان دارای جایگاه بهتری هستند. افزون بر این، مارکوسن<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) بر مبنای پژوهشی تجربی در مورد اثر هنرمندان خلاق روی رشد شهری مدعی شد که اولویت‌های سیاسی، فرهنگی و مکانی هنرمندان، جزء کلیدی طبقهٔ خلاق فلوریدا، نسبت به اولویت‌های سیاسی، فرهنگی و مکانی دانشمندان، مهندسان، مدیران و حقوقدانان بسیار متفاوت است. همچنین توسعهٔ محیط خلاق ایده‌آل برای تمام طیف سرمایهٔ خلاق در بهترین حالت ممکن امری بعيد و محال است. فلوریدا، توسعهٔ فرهنگ شهری متنوع را به عنوان مؤثرترین شیوه در راستای جذب افراد بسیار خبره و ماهر و همچنین رشد اقتصادی پیشنهاد کرده است. او برای حمایت از این بحث، شماری از شهرهای آمریکایی را بر اساس شخص‌های شهر خلاق از جمله فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و کارگران صنعتی نرم‌افزارهای کامپیوتر از طرف دیگر مقایسه کرده است. در این راستا، شهرهای ساحلی بزرگ دارای مؤسسه‌های پژوهشی و فرهنگ‌های متنوع نظیر سان خوزه، سیاتل و بوستون بالاترین رتبه را به دست آورده‌اند (جدول ۴). در این پژوهش به ترتیب شهرهای سانفرانسیسکو، آستین، بوستون، سن دیگو، سیاتل، رالی - دورهام، هوستون، واشنگتن، نیویورک، دالاس - فورت وورث، مینیاپولیس، سنت پاول، لس آنجلس، آتلانتا، دنور و شیکاگو رتبه اول تا پانزدهم را به دست آورده‌اند، که امتیاز بهره‌وری آنها به ترتیب برابر با ۱۰۵۷، ۱۰۱۵، ۱۰۱۵، ۱۰۲۸، ۹۶۰، ۹۶۲، ۹۶۴، ۹۸۰، ۹۹۶ و ۹۳۵ است.

در مجموع می‌توان شهری را ۱۰۰ درصد خلاق نامید که سیاست‌گذاری خود را وقف کمک به

1. Austin

2. Markosen

اجتماعات در به فعلیت رساندن تمام پتانسیل‌های بالقوه ایده‌های خلاق به وسیله تشویق اصول مندرج در جدول زیر نماید.

#### جدول شماره ۴: اصول شهر خلاق

پرورش خلاقیت و پاداش برای آن	هر کس بخشی از زنجیره ارزشمند خلاقیت است. خلاقیت می‌تواند در هر زمان و هر مکان رخ دهد، چنانکه می‌توان نمود آن را در جامعه مشاهده کرد.
سرمایه‌گذاری در اکوسیستم خلاق	اکوسیستم خلاق مشتمل بر هنر و فرهنگ، کنسرت‌های موسیقی، رستوران‌ها، هنرمندان و طراحان، نوآوران، کارآفرینان، فضای مناسب، محله‌های پر جنب و جوش، معنویت، آموزش و پرورش، تراکم، فضاهای عمومی و مکان‌های سوم (محیطی اجتماعی) که جدای از دو محیط معمول یعنی خانه و کار است. در واقع به لنگرگاه‌های زندگی اجتماع، تسهیل کردن و شکوفا ساختن تعاملات خلاقانه اطلاق می‌شود.) است.
گسترش تنوع و کثرت	این امر منجر به شکوفایی خلاقیت، نوآوری و تأثیر مثبت اقتصادی است. وجود افراد با زمینه‌ها و تجربه‌های مختلف به تنوع عقاید، آراء، افکار، استعدادها و دیدگاه‌ها کمک می‌کند و این موضوع به غنی تر شدن جامعه منجر می‌شود. چنانکه به دنبال آن آراء و اندیشه‌ها شکوفا و جامعه‌ای ارزشمند ساخته می‌شود.
شکوفایی خلاقیت	پشتیبانی از اتصال دهنده‌ها و نکات اشتراکی؛ همکاری برای رقابت در راههای جدید و شرکت دادن تمام افراد در بازی از اصول بی‌تبدیل شهر خلاق است.
ارزش ریسک‌پذیری	به معنای تبدیل شرایط نه به شرایط آری؛ سرمایه‌گذاری در فرصت‌سازی و نه فقط حل مشکل؛ استعداد خلاق، فناوری و انرژی برای جامعه و به چالش کشیدن خرد سنتی است.
اصالت‌بخشی	افزودن ارزش‌های جدید بر شهر و تمرکز بر آن دسته از دارائی‌ها که در شهر منحصر به فرد است، به گونه‌ای که باید جامعه‌ای متفاوت به نظر آید.
سرمایه‌گذاری در ساخت و کیفیت مکان	در حالی که ویژگی‌های ارشی از قبیل آب و هوای منابع طبیعی و جمعیت مهم هستند، اما دیگر ویژگی‌های حیاتی مانند مرکز هنری و فرهنگی، فضاهای سبز و باز، مرکز شهری پر جنب و جوش و مرکز آموزش باستی ساخته و تقویت شود. این موجب خواهد شد جامعه رقابتی تر از هر زمان دیگری به دلیل ایجاد فرصت‌های بیشتر شود.
از میان برداشتن موافع خلاقیت	از آن جمله می‌توان به عقب‌ماندگی، تحمل نداشتن، انزوا، پراکنش، فقر، مدارس نامطلوب، انحصار طلبی، زوال اجتماعی و تخریب زیست‌محیطی اشاره کرد.
مسئولیت‌پذیری برای تغییر جامعه	به گونه‌ای که افراد جامعه را جزء لاینک خود بینند و از هیچ کوششی برای تغییر به سمت آینده‌ای بهتر دریغ نورزنند.
تضمين حق خلاقیت	کسب اطمینان از اینکه هر شخص، به خصوص بچه‌ها، حق خلاقیت دارند. بالاترین کیفیت آموزش و پرورش مادام‌العمر برای توسعه و حفظ افراد خلاق به عنوان مهم‌ترین منبع جوامع امری حیاتی است.

## نقش سرمایه خلاق در رشد اقتصاد

پیدایش اقتصاد خلاق موجب تغییر شیوه‌هایی شده است که شهرها و مناطق به واسطه آنها مزیت رقابتی را ایجاد و حفظ می‌کردند. کلید موفقیت در عصر صنعتی آسان و مشتمل بر هزینه‌های کلی انحصار کسب و کار بوده است. در دوره تولید انبوه، مناطق از طریق مزیت‌های طبیعی در دارا بودن منابع خدادادی، دسترسی به وسائل حمل و نقل، هزینه و بهره‌وری نیروی کار فیزیکی مزیت‌های رقابتی ایجاد می‌کردند. شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه‌ها، مکان‌هایی را برمی‌گزیدند که قیمت زمین در آنجا پایین، دارای نیروی کار ارزان یا بهره‌وری زیاد و همچنین دارای شرایط تجاری و آگاه از هزینه‌ها بود. اما دراقتصاد خلاق، مزیت رقابتی به مناطقی تعلق می‌گیرد که می‌توانند به سرعت استعداد، منابع و توانایی لازم را به حرکت درآورند و آنها را به نوآوری در ایده‌های جدید کسب و کار و محصولات تجاری تبدیل کنند و مناطق را به سمتی هدایت سازند که از طریق توانایی‌هاشان مزیت رقابتی ایجاد کنند. بر همین اساس مزیت رقابتی به مناطقی رهنمون می‌شود که می‌توانند بهترین استعداد را پرورش، حفظ و جذب کنند. امروزه، توانایی جذب سرمایه انسانی یا افراد مستعد و خلاق موجب ایجاد مزیت‌های منطقه‌ای می‌شود؛ مناطقی که دارای افراد خلاق هستند، همواره پیروز می‌شوند. به اینگونه کیفیت مکان یک شهر یا منطقه به عنوان نقطه محوری مزیت رقابتی، جایگزین متغیر دسترسی شده است. بنابراین کیفیت ویژگی‌های مکان به استراتژی محوری مناطق در راه توسعه صنایع فناوری پیشرفت‌های تبدیل شده است. مطالعات صورت گرفته بر رابطه بین سرمایه خلاق- رشد منطقه‌ای صحه گذاشته‌اند. این و اک استاین<sup>1</sup>، بلک<sup>2</sup> و هندرسون<sup>3</sup> بر این باورند آن دسته از کارگرانی که در کنار افراد خلاق کار می‌کنند، مولدتر و کارآمدتر می‌شوند. راج<sup>4</sup> از راه مطالعات تجربی دریافته است که هم دستمزدها و هم اجاره مسکن در شهرهایی بیشتر است که دارای سطوح تحصیلی بالاتری هستند. ادوارد گلیسر و همکارانش رابطه‌ای قوی بین سرمایه خلاق و رشد شهری یافته‌اند؛ به این معنا که شهرهای دارای جمعیت باسواتر، میزان بالاتری از رشد جمعیت طی گذشت زمان دارند (Florida, 2005). به طور کلی طبقه خلاق به افرادی اطلاق می‌شود که توانایی ابداع اشکال جدید و بسیار ارزشمند فعالیت‌های اقتصادی دارند. بنابراین افراد خلاق رشد اقتصادی را از طریق ایجاد نوآوری‌های فناورانه، پیشرفت اندیشه‌های علمی و دانش فراینده پدید می‌آورند. چنانکه تمرکز بالای طبقه خلاق به منزله رشد اقتصادی شهر به حساب می‌آیند (Bounds, 2009:188).

1. Eaton and Eckstien

2. Black

3. Henderson

4. Rauch

## دیدگاه معتقدان و موافقان نظریه شهر خلاق

مفهوم طبقه خلاق؛ تشویق‌ها و انتقادهای تندی را در زمینه توسعه اقتصادی شهری برانگیخت. به طور عمده تحسین‌های مثبت رسانه‌ها بر حول اصطلاح "استعدادهای خلاق" منعکس شد. گاه جهان‌شمولی در دوایر معینی است که معتقدند زمان جراحی اقتصادی گذشته است. از طرف دیگر، معتقدان از رشته‌های مختلف دانشگاهی ظاهر شده‌اند. ادعای شماری از آنها برآن است که "اقتصاد اطلاعاتی" <sup>۱</sup> و "اقتصاد دانش‌محور" <sup>۲</sup>، که نقش‌های پردازش اطلاعات و تولید دانش را در انباشت سرمایه‌ی تعریف می‌کنند، از لحاظ نظری مفاهیمی منطقی هستند. هدف از استفاده از این اصطلاحات نمایش این مطلب است که توسعه‌های جدید در فناوری اطلاعات موجب افزایش طرفیت برای تولید و سود بدن از دانش جدید می‌شود. می‌توان گفت از سال‌های گذشته به لحاظ اقتصادی رقابت شهرها، مناطق و کشورها بر سود بدن از صنایع دانش‌بنیان در زمینه پژوهش، توسعه و نوآوری بوده است. در حقیقت، شهرهای صنعتی سیار زیادی در آمریکای شمالی و اروپای غربی در تلاش برای توسعه چنین صنایعی بوده‌اند، اما در این راه موفقیت چندانی حاصل نکرده‌اند. مفهوم اقتصاد خلاق ممکن است موجب برانگیختن موجی از بحث‌های سیاستگذاری رسانه‌ای و سیاسی شود، بدون اینکه فرصت‌های شغلی مناسبی را برای کارگران صنعتی بیکار پیشنهاد کند. مجله‌های خبری از جمله نیوزویک <sup>۳</sup> و مجله ماهانه آتلاتیک، واکنش مثبتی به نظریه سرمایه خلاق داشته‌اند و مقاله‌های کوتاه متعددی از فلوریدا یا در مورد او منتشر کرده‌اند. معتقدان نظریه طبقه خلاق فلوریدا از مسیرهای متفاوتی به نقد آن همت گماشته‌اند. به باور آنها، تأکید بیش از حد بر نخبه‌گرایی و فقدان موشکافی و پیچیدگی دانشگاهی در این نظریه مشهود است(Markusen and Schrock, 2006).

به طور کلی مهم‌ترین انتقادهای واردہ بر نظریه طبقه خلاق عبارتند از:

۱. اختلاف‌های درآمدی بین طبقه خلاق و آنهای که در بخش‌های خدماتی و صنعتی مشغول هستند منجر به موضوع‌هایی نظیر مسکن قابل استطاعت، توسعه نامتوازن و نابرابر و پدیده پراکنده‌روی شهری (رشد غیرنظامی و پراکنده گونه به سمت نواحی حومه‌ای) شده است. همچنین تقسیم طبقاتی به واسطه حضور فزاینده آن دسته از کارگران با دستمزد کمی که در بخش‌های خردفروشی و فراغتی به منظور برآورده ساختن نیازهای رفاهی طبقه خلاق کار می‌کنند، به طور روزافزونی تشدید می‌شود؛
۲. دوقطبی شدن سیاسی تشدید می‌شود، چرا که این گروه‌ها از لحاظ منزلت اجتماعی و اقتصادی در دو دنیای متفاوت زندگی می‌کنند؛

- 
1. Informational Economy
  2. Knowledge-based Economy
  3. Newsweek

۳. منتقدان بر این باورند که هیچ ارتباطی بین رشد اقتصادی و طبقه خلاق وجود ندارد. در واقع، فناوری مدرن، سرمایه انسانی بالا و مهاجرت فزاینده شاخص‌های بهتری برای رشد محسوب می‌شوند. افزون بر این، نگرش طبقه خلاق به رشد اقتصادی بیشتر روی علائق سبک زندگی به جای مسائل اجتماعی متمرکز می‌شود (Bounds, 2010:188).
۴. تأکید بیش از حد بر نخبه‌گرایی، داده‌های نامتجانس و طبقه‌بندی ابهام‌آمیز از جمله انتقادهای مطرح شده در مورد این نظریه است (Scot, 2006 and Markusen and Schrock, 2006).
۵. به باور جامی پک<sup>۱</sup> تلاش‌های کلی این نظریه - که به طور روزافزونی فرصت‌های شهری را ناشی از ظرفیت جذب و حفظ طبقه متحرک "خلاق" دانسته است، به تنوع عمدۀ توسعه اقتصادی معطوف شده است - و به همین علت برای مدیران شهری سراسر جهان به موضوع جذابی تبدیل شده است. با وجود این، ایده شهر خلاق آخرین پدیدۀ سیاستگذاری است که انعکاس گر دیدگاه نئولیبرال‌ها، تجارت‌گرایان و دیدگاه‌های طبقات بالا و متوسط در مورد حاکمیت شهری است. به گونه‌ای که راهبردهای خلاقیت به آرامی در راستای برنامه‌های توسعه نئولیبرال حرکت می‌کنند و این برنامه‌های نئولیبرال براساس رقابت بین شهری، نوسازی، مصرف طبقه متوسط و بازاریابی مکانی طرح ریزی شده‌اند (Peck, 2005:740).

## ویژگی‌های نمونه‌های عملیاتی شهر خلاق

### (۱) تورنتو، کانادا

شماری از ایده‌های کلیدی نظریه طبقه خلاق در پژوهه‌های توسعه شهری به کار رفته است. شهرداران شهرهای صنعتی بزرگ ژاپن، از جمله اوزاکا و یوکوهوما، به تازگی اقدام‌های مربوط به شهر خلاق را آغاز کرده‌اند با این امید که مبنای اقتصادی شهر خود را متنوع سازند و زندگی شهر و ندانشان را از راه فعالیت‌های فرهنگی توسعه و پیشرفت دهند. مدیران شهری برلین و دوبلین توسعه محیط خلاق را در سیاست‌های توسعه خود گنجانده‌اند. حکومت‌های شهری به پژوهشگران و مشاوران خود مأموریت داده‌اند تا مزیت‌های جذب سرمایه خلاق و همچنین چالش‌های شهرهای شهروندانشان برای تبدیل شدن به مراکز خلاق را شناسایی کنند. از جمله این موارد می‌توان به "استراتژی‌های تورنتو برای پروژه شهرها و فضاهای خلاق" اشاره کرد که توسط برنامه‌ای در مورد جهانی شدن و سیستم‌های نوآوری منطقه‌ای در دانشگاه تورنتو به انجام رسیده است. بر اساس این برنامه، تورنتو برای تبدیل شدن به شهری خلاق، باید روی چهارده مأموریت راهبردی متمرکز شود، که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به سرمایه‌گذاری فزاینده در مؤسسه‌های هنری و فرهنگی اشاره کرد (جدول شماره ۵).